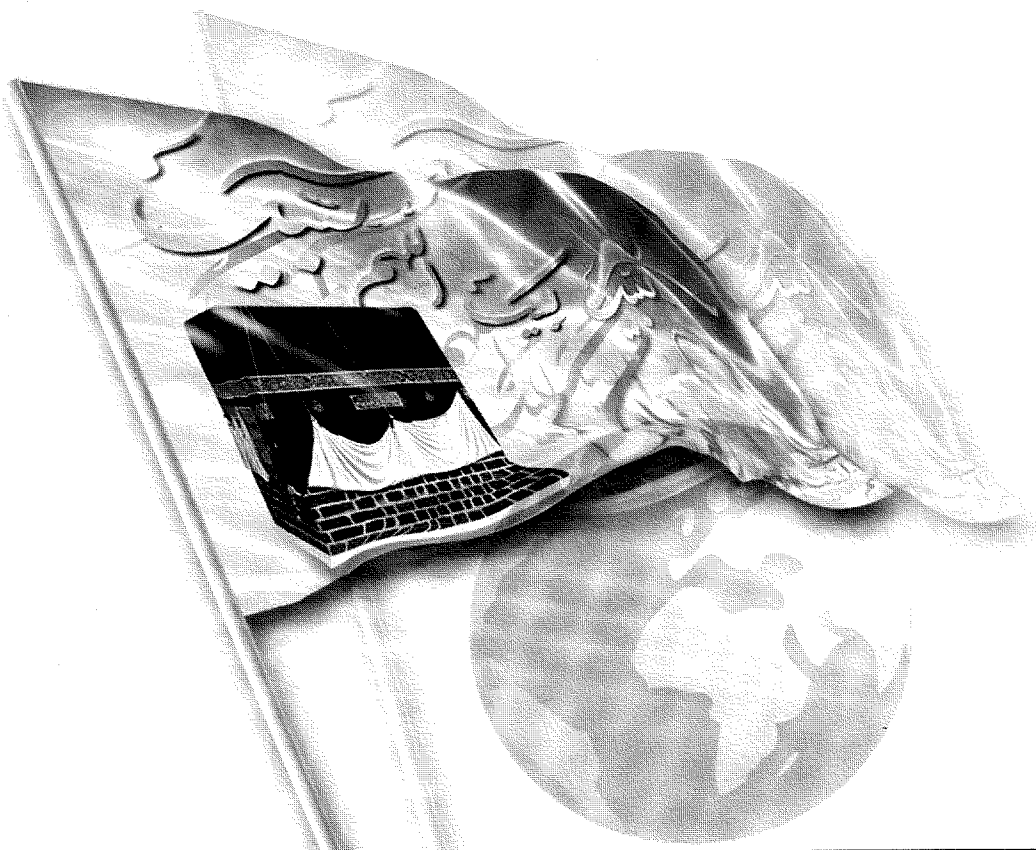


از نگاه دیگری





سفر مردم نوسانتارا (اندونزی) به مکه

(اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰)

martin van bruinessen / مترجم: ماریا تنگ. دانشجوی الهیات.
رشته فلسفه اسلام دانشگاه تهران

در نیم قرن اخیر، بر تعداد زائران و مشتاقان حج افزوده شده است. از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، حجاج اندونزی مسافرت بیشتری به عربستان می‌کنند. از سال ۱۹۲۰ (= ۱۲۹۹ ش. - ۱۳۳۸ ق.)، حدود ۴۰ درصد حجاج را حاجیان اندونزی تشکیل می‌دهند. طی چندین سال گذشته، زائران اندونزی، نسبت به زائران دیگر کشورها، که در مکه زندگی می‌کردند، بیشتر بود و در این میان، مردم جاوا، در صد بیشتری را تشکیل می‌دادند و تقریباً از سال ۱۸۶۰ (= ۱۲۳۹ ش. - ۱۲۷۶ ق.)، زبان مالایو به عنوان رایج‌ترین زبان، بعد از عربی در مکه به شمار می‌آمد.

تعداد مردم اندونزی در مکه، پیش از ساخته شدن کشتی بخار، کمتر بود؛ زیرا مسافرت با کشتی سخت و طاقت فرسا بود و زمان زیادی طول می‌کشید تا به مقصد برسند.

رفتن به حج برای مسلمانان اندونزی بسیار مهم بوده و به عنوان بالاترین گزینه انتخابی به شمار می‌آمد و این عقیده با فرهنگ سنتی مردم آسیای دور مرتبط است.

مکه در دنیا، به عنوان مرکز علم محسوب می‌شود

در کیهان شناسی جاوا (که از جزایر بسیار مهم اندونزی است) و کیهان شناسی آسیای دور، مراکزی برای ارتباط دنیای عینی و جهان ماورا طبیعی؛ مانند قبر بزرگان، کوه، غار و جنگل و مکان‌های زیارتی وجود دارد که نه تنها برای عبادت و زیارت مهم است، بلکه مرکزی برای علم بوده است. گرفتن علم و به قول پادشاه ماتارام، این مکان‌ها جایی برای دریافت وحی محسوب می‌شدند.

بعد از این که مردم جاوا مسلمان شدند، مکه برای آنان، به عنوان مرکزی برای کیهان شناسی به شمار می‌آمد؛ زیرا می‌دانیم که آنجا قبلهٔ مسلمانان بوده و قرآن بر پیامبر ﷺ در مکه نازل شده و بنابراین، این شهر به عنوان مرکز علم اسلام محسوب می‌شده است.

به طور دقیق مشخص نیست که مردم جاوا، در چه زمان و چه سالی به حج رفتند، اما در اواسط قرن هفدهم، پادشاهان جاوا در این سرزمین فعالیت‌های سیاسی بر ضد استعمار هلند را آغاز کردند.

در سال ۱۶۳۰، شاهان بانتن و ماتارام، به رقابت با یکدیگر برخاستند و قرار بر این شد که هر کدام نماینده‌ای جداگانه به مکه بفرستند و برای مقام سلطان، از شریف مکه اجازه بگیرند.

آنان بر این باور بودند که گرفتن اذن پادشاهی از مکه برای پادشاهی و ریاست آن‌ها یک نیروی فوق طبیعی است.

در واقع، در هیچ‌جا گرفتن اذن برای مقام از شریف مکه، مرسوم نبود و فقط مردم جاوا معتقد بودند که شریف مکه نسبت به همهٔ ملل مسلمان کرامت و برتری دارد. کاروانی که از بانتن به مکه رفته بود، در سال ۱۶۳۸ و کاروان ماتارام در سال ۱۶۴۱ به اندونزی بازگشتند.

نمایندهٔ پادشاه بانتن، پس از بازگشت، علاوه بر این که مقام پادشاهی را از شریف مکه گرفته بود، هدایایی نیز برای پادشاه به همراه آورد. برای نمونه، تکه‌ای

از پارچه کعبه را آورده بود که برای آن‌ها به عنوان حرز به شمار می‌آمد. تاریخ بانتن گواه آن است که در قرن هفدهم، حج برای مردم این دیار، نه تنها مسأله‌ای عبادی، که یک فعالیت سیاسی بر ضد استعمار هلند نیز بوده است. در زبان مالایو نقل می‌کنند که بنیانگذار اسلام در بانتن، پادشاهی به نام سونان گونونگ جاتی، در جاوای غربی بوده است. او و فرزندش، پیش از سفر حج، در چند مکان، که به عقیده آن‌ها مقدس بوده، معتکف شده‌اند. در تاریخ آمده است که حج برای آن دو، سفری معمولی نبوده است. آقای حسن الدین حکایتی را که مربوط به سفر سونان گونونگ جاتی به حج و دعوت از فرزندش به همراهی با وی در این سفر است، چنین نقل می‌کند:

«فرزندم! اکنون موسم حج است. بیا ما نیز به حج برویم و تو به عنوان مرید در آنجا بمان و از استاد اطاعت کن».

پس از این که فرزندش را نصیحت کرد، او را با خود به مکه برد و وقتی به مسجد الحرام رسیدند، به وی آموخت که طواف کند و حجرالاسود را ببوسد. بعد از طواف و به جا آوردن اعمال حج، فرزند سونان گونونگ جاتی به مدینه رفت و در آنجا علم کامل فرا گرفت و با فرقه نقشبندیه وارد شد.

در گذشته بعضی بر این باور بودند که افرادی مانند شیخ محی‌الدین، از راه کوچه‌ای تنگ و با بار و بنه اندک و با نیروی فوق طبیعی، از جاوا به حج رهسپار شده است. باور دیگر بر این است که در شهری به نام «چی بولو کن» در بانتن، چاهی وجود دارد که با چاه زمزم در مکه مرتبط است و مولانا منصور از طریق این چاه به مکه می‌رفته است!

اکنون نیز بعضی از علما به این موضوع باور دارند و در هر جمعه، کنار این چاه حضور می‌یابند و نماز می‌گزارند و بر این عقیده‌اند که نماز خواندن در کنار این چاه، حکم نماز در مسجد الحرام را دارد!

این مطالب، نشان می‌دهد که نقش حج و ارتباط با مکه، به عنوان مرکزی برای



علم و فعالیت‌های سیاسی، برای مردم جاوا، بسیار مهم است. در اندونزی رفتن به چند مکان، حکم رفتن به مکه را دارد. برای نمونه، مردم شهر کونینگان... معتقدند هرکس سه مرتبه به کوه چیرمای برود، ثواب آن، مانند رفتن به مکه است. باور مردم مادورا نیز آن است که هرکس توان رفتن به مکه را ندارد، کافی است کوه سنگی امپرا را زیارت کند تا از ثواب مکه برخوردار شود. و همین باور و اعتقاد، در شمال جزیره سولاوسی در مورد رفتن به کوه... در روز عید قربان، وجود دارد.

حج، عملی عبادی - فرهنگی

حج در نظر مردم اندونزی، علاوه بر این که عملی عبادی است، در آموزش علم نیز دارای نقش اهمیت فراوان است. مکه و مدینه، برای مردم اندونزی، جایی است برای جستجوی خالق هستی و آموختن علوم اسلامی.

آیین اسلام، در قرن ۱۷م. از عربستان و هندوستان، به اندونزی وارد شد. با این که مردم اندونزی در قبول اسلام، از هندوستان نیز تأثیر پذیرفتند، اما شهرهای مکه و مدینه برای آنها اولین و مهمترین مکان‌های مذهبی محسوب می‌شود. اکنون به نام افرادی اشاره می‌کنیم که برای حج گزاردن و نیز آموختن علم، به مکه سفر کردند:

- شیخ یوسف مکسری، در سال ۱۶۴۹ به مکه رفت و در سال ۱۶۷۰ به اندونزی باز گشت. او در مکه، از محضر علمای بسیاری به خصوص در زمینه تصوف علم آموخت و مدرک فرقه خلوتیه (از طریقت‌های مهم تصوف) را گرفت و اجازه یافت در مورد این طریقت، در اندونزی تدریس کند.

- عبد رثوف اسنکلی، عالم دیگری است که در مکه درس دین آموخت. او نیز مانند یوسف مکسری، در مکه تصوف را آموخت و به اندونزی باز گشت. عبد رثوف اسنکلی در اندونزی مبلغی برای طریقت شتریه شد و تفسیر جلالین را ترجمه

و ویرایش کرد. افرادی که در مکه علوم اسلامی را می‌آموختند، به اندونزی بر می‌گشتند و به دیگران آموزش می‌دادند و همواره ارتباط خود را با علمای مکه حفظ می‌کردند.

در سال‌های ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۸ (= ۱۲۳۱ تا ۱۲۳۷ ش.)، تنها نیمی از حاجی که از آسیای دور به مکه رفته بودند، می‌توانستند بازگردند. حتی هلندی‌ها نیز، که در آن زمان حکومت اندونزی را در دست داشتند، به این مطلب اشاره کرده‌اند. حدس آن‌ها بر این بوده که این حاج، در آنجا از دنیا رفته و یا به عنوان برده فروخته شده است.

خود عبدالله، چند روز پس از آن که به مکه رسید، از دنیا رفت و نتوانست کتابش را که در حال نوشتن بود، به پایان برساند.

زمانی که علم پزشکی پیشرفت کرد، آمار مرگ و میر روز به روز کمتر شد و از سال ۱۹۳۰ (= ۱۳۰۹ ش.) این تعداد، به ۱۰٪ کاهش یافت.

افراد بسیاری نیز برای آموختن علم، در مکه می‌ماندند و این تعداد در اواسط قرن ۱۱ رو به فزونی بود. در سال ۱۹۳۱.... (مأمور کنسولگری هلند در جده) اینگونه می‌نویسد: از ۳۰۰۰۰ نفر حاجی اندونزیایی، تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر در مکه مانده‌اند.

در سال ۱۸۶۹ (= ۱۲۷۵ ش.) راه رفتن به جده از جاوا یا سنگارپور، با کشتی بخار گشوده شد و مسافرت با کشتی از این راه بسیار آسان گردید و مردم بیش از گذشته، به سفر حج مشرف شدند.

به دنبال استقبال مردم این سرزمین از سفر حج و تحول روحی در میان آنان، هلندی‌ها ترسیدند و از طرق مختلف برای رفتن مردم به حج، محدودیت ایجاد کردند. بیم آن‌ها از این بود که تعصب مسلمانان در اثر این سفرها، نسبت به دین و سرزمین‌شان، دو چندان شود و هنگام بازگشت برای از بین بردن استعمار هلند، دست به قیام و انقلاب بزنند. در نتیجه شرایط سفر با کشتی را دشوار کردند؛ لیکن با این حال، بر تعداد مردم زائر، روز به روز افزوده می‌شد. آماری که کنسولگری

خارجی در جده، ارایه کرده‌اند نشان می‌دهد که تعداد مردم اندونزی در سفر حج بیش از کشورهای هند، مصر و ترکیه بوده است.

حج، مسافرتی طولانی و همراه با خطر

پیش از ورود کشتی بخار به اندونزی، مسافرت حج با کشتی معمولی انجام می‌گرفت. وضعیت فصل نیز در این مسافرت مؤثر بود؛ معمولاً حجاج با کشتی تجاری به مکه می‌رفتند و در راه مجبور بودند که چندین مرتبه کشتی خود را عوض کنند. کشتی از چند بندر عبور می‌کرد تا سرانجام به آنچه می‌رسید. بندر آنچه نخستین بندر برای رفتن به مکه و آخرین بندر برای برگشتن به اندونزی بود که به سرامبی (ایوان) مکه شهرت داشت؛ زیرا که آن زمان آنچه دروازه ورود اسلام به اندونزی و همچنین محل عبور و مرور به مکه بود.

حجاج از آنچه به هند، از هند به حضرموت و از آنجا به یمن و از یمن به جده می‌رفتند، این مسافرت ۶ ماه و گاه بیش از این، به طول می‌انجامید و حجاج در طول این مدت، گاهی در معرض طوفان قرار می‌گرفتند و به جزایر نا شناخته کشیده می‌شدند. گاهی وسایل و لوازم آن‌ها در دریا غرق و یا به وسیله کارگران کشتی دزدیده می‌شد. البته خطر دزدان دریایی و همچنین مردمان بدوی در خود خشکی که جان و مال مسافران را به خطر می‌انداختند، را نباید نادیده گرفت.

علاوه بر این‌ها، بسیار پیش می‌آمد که حجاج در میان راه مریض می‌شدند. به هر حال، رفتن به حج در آن زمان کار سهل و آسانی نبود.

عبد الله بن قدیر مونشی، نخستین سفرنامه نویسنده حج در ادبیات مالایو، که در سال ۱۸۵۴ به حج رفته بود، می‌نویسد: در مورد خطرات و مشکلات سفر حج با کشتی، که وقتی کشتی به دریای سیلان (سری لانکا) نزدیک شد، باد شدیدی وزید، خدا...، خدا، فقط خدا می‌داند امواج تا چه حد بزرگ بود! دلم می‌خواست به شکم مادرم بر می‌گشتم و نمی‌دیدم! امواج دریا از راست و چپ، خود را به کشتی

می‌کوبیدند. همه و سایل بار و بنه مسافران به اطراف پراکنده می‌شد. آب دریا به کشتی می‌ریخت و حجاج خیس شده بودند. در آن هنگام هر کس به فکر خود بود، همگی احساس می‌کردند که موج دریا بسیار بلندتر از کشتی است! حتی زمانی که نماز می‌خواندند، دوشادوش همدیگر قرار می‌گرفتند. آب، داخل کشتی می‌شد و حتی جرأت بالا آوردن هم نداشتند. مسافران دلشان می‌خواست گریه کنند ولی اشک نمی‌آمد و فقط فریاد می‌زدند و خدا را می‌خواندند. از سوی دیگر، ناخدا همه را می‌ترساند و می‌گفت: در این محل بارها اتفاق افتاده که کشتی‌ها به همراه مسافران گم شده‌اند!

سفر به حج با کشتی بخاری

مردم اندونزی، هر سال پیش از آغاز ماه رمضان، به سفر حج مشرف می‌شدند. چرا که هدف آن‌ها اقامه نماز تراویح در مسجد الحرام بود (و بیشتر آن‌ها ۴ یا ۵ ماه در مکه زندگی می‌کردند و بعد به حجاز می‌رفتند و بعد از انجام مراسم حج، برای زیارت مقام پیامبر به مدینه می‌رفتند و در سخنرانی شرکت می‌کردند. بعضی از آن‌ها به زبان عربی مسلط نبودند اما مشکل زیادی هم نداشتند؛ زیرا سخنرانان، اهل اندونزی بودند که سال‌های زیادی در آنجا اقامت داشتند و به زبان مالایو (زبان رسمی اندونزی) سخنرانی می‌کردند و در آن زمان، مردم جزایر مختلف اندونزی؛ مانند: جاوا، نوسا تنگارا، مالوکو، سولاوسی سلاتان، کالیمنتان، سوماترا و آچه گردهم می‌آمدند و به راحتی، با هم مباحثه علمی و سیاسی می‌کردند؛ به خصوص علیه استعمار هلند و اخبار دیگر کشورهای مسلمان را به راحتی کسب می‌کردند. و همین افراد واسطه می‌شدند که پیام‌های ضد استعماری را به مردم اندونزی، که موفق نشدند در حج شرکت کنند، برسانند.

مردم هند در سال ۸۲۴ مدسه شولاتیه را در مکه بنا کردند. از این طریق اطلاعاتی در مورد کوشش‌های مردم هندوستان علیه استعمار انگلستان کسب

می کردند. مردم اندونزی هم در این مدرسه درس می خواندند و در جریان فعالیتهای ضد استعماری نیز قرار می گرفتند.

پس از این که تعداد مردم اندونزی زیاد شد، آنها مدرسه دارالعلم را در مکه ساختند و این مکان به عنوان حوزه مهمی برای دانشمندان این کشور محسوب می شود.

سفر حجاج اندونزی در دوره کنونی

همانطور که اشاره شد، در زمانهای گذشته، حج برای مردم اندونزی معنای گسترده ای داشت و فقط عملی عبادی به شمار نمی آمد. حج به وسیله ای برای کسب اطلاعات و اتحاد مسلمانان اندونزی محسوب می شد. مکه نه تنها به عنوان قبله مسلمانان، بلکه مرکز مهمی برای فعالیتهای دینی نیز بود. اما امروزه حج چگونه است؟ آیا مکه هنوز هم به عنوان مرکز مهمی برای مردم اندونزی به حساب می آید؟ روشن است که امروزه پیشرفت فن آوری و حمل و نقل مدرن، وضعیت خوبی برای انجام این عبادت فراهم کرده است. البته طواف دور کعبه و مراسم روز عرفه، همواره برای مسلمانان مهم بوده و امروز هم انجام می شود، اما آیا حج هنوز به عنوان یک هدف سیاسی - اجتماعی برای مسلمانان در نظر گرفته می شود؟ آیا حج هنوز هم مرکزی برای کسب اطلاعات از مسلمانان دیگر کشورها؛ مانند هندوستان، پاکستان، ایران، افغانستان، ترکیه و دیگر کشورهای عرب محسوب می شود؟ به نظر می رسد به علت پیشرفت صنعت و تکنولوژی، هدف اجتماعی حج گم شده است. حجاج اندونزی با هواپیما به حج می روند و فقط چند هفته در مکه و مدینه با دیگر مردم اندونزی می مانند. با مسلمانان دیگر کشورها ارتباط چندانی ندارند و در این مدت کوتاه، فرصتی برای آموختن علوم اسلامی باقی نمی ماند. اگر امروزه اطلاعاتی در مورد دیگر کشورهای مسلمان دارند، از طریق سیستم اطلاعاتی مدرن است نه سفر حج. برای نمونه، حادثه و خونریزی که در سال ۱۹۸۸ در مکه رخ داد، تنها تعداد

اندکی از حجاج اندونزی از آن آگاهی یافتند؛ زیرا بیشتر زائران در هتل می ماندند و از اتفاقات بیرون آگاهی نداشتند.

در ده سال اخیر، تفکرات دانشمندان برجسته اسلامی؛ مانند (آقایان): حسن البناء، ابو العلا مودودی، مرتضی مطهری، علی شریعتی، یوسف قرضاوی، سید حسین نصر و فضل الرحمان از طریق مکه و سفر حج به اندونزی نرسیده، بلکه اطلاع رسانی مدرن وسیله‌ای برای انتقال افکار این دانشمندان به کشورهای مسلمان شده است. امروزه حتی از طریق اروپا و آمریکا نیز تفکرات اسلامی به جاهای دیگر منتقل می‌شود. درست است که مدرسه دارالعلوم به عنوان مدرسه‌ای دولتی، هنوز هم در مکه وجود دارد و دانشجو می‌پذیرد و مدرسان مشهوری مانند محمد بن علوی المالکی آنجا تدریس می‌کنند، اما در مقایسه با علمای نیم قرن گذشته، نقش آنان کمرنگ است. امروزه سفر حج فقط محدود به عبادت شده و بعضی فقط برای کسب شهرت و وجهه اجتماعی به حج می‌روند و دیگر به عنوان موتور حرکت اسلام در اندونزی محسوب نمی‌شود.

